





گفتا

زمینه سازان ظهور

مؤلف: خدامراد سلیمیان
طرح روی جلد: علی بیات

آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
آدرس: حرم مطهر امام رضا علیه السلام اداره پاسخگویی به سوالات دینی و اطلاع رسانی
تلفکس: ۲۲۴۰۶۰۲
pasokhgoo@razavi.tv

اشاره

پرسیدن برای یافتن راه، یک ارزش است و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد و زیباترین، دقیق ترین و ساده ترین پاسخ ها را فراهم آورد، رشد و ارتقای خود را تضمین کرده است. مهم، انتخاب بهترین راه است، «رهنما» گامی در این مسیر می باشد.

همگام با ما باشید و با نظرات خود یاریمان کنید.

زمینه‌سازی سازان ظهور

یکی از وظایف مهم در عصر غیبت، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. چگونه می‌توان برای ظهور مهدی علیه السلام زمینه‌سازی کرد؟ زمینه‌سازان ظهور چه ویژگی‌هایی دارند؟

آغاز:

تحقق انقلاب عظیم حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان بزرگ‌ترین تحولی که بشریت در حیات خود خواهد دید، بر پایه‌هایی استوار است که یکی از مهم‌ترین آنها، فراهم شدن یاران،

همراهان و هم‌زمانی است که تا پای جان برای اجرای اهداف او از پای ننشینند. بازشناسی این عامل ما را در راه شناخت آن حاکمیت سترگ، کمک خواهد کرد و آن‌گاه است که در پی شناخت، سر بر جیب تفکر خواهیم برد و خویشتن را با آن شرایط و ویژگی‌ها، محک خواهیم زد و از خود خواهیم پرسید: آیا ما خود را برای آن روزگار آماده ساخته‌ایم؟ شاید آن روز، همین فردا باشد. با فهم این ویژگی‌ها، در خواهیم یافت که پای رفتن این راه را داریم یا نه و آن روز موعود، در مقابله حق با باطل، در کدامین جبهه خواهیم بود.

با سیری در بوستان کلام معصومین علیهم‌السلام، این ویژگی‌ها به خوبی فرا روی ما قرار خواهد گرفت؛ پس بیاییم وضوی عشق و دل‌دادگی گرفته، پای‌افزار تعلقات از جان خویش برگرفته، قدم در این گلستان پرگل نهیم؛ باشد تا در پایان، دسته‌گلی خوشبو، حاصل این گشت و گذار باشد.

در ره منزل لیلی که خطر‌هاست در آن
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

این ویژگی‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- شناخت پروردگار

خداوند متعال، فلسفه اساسی آفرینش انسان‌ها را عبادت و بندگی معرفی کرده^۱ و این مهم، تنها زمانی حاصل می‌گردد که شناخت آن ذات مقدس، فراهم آید و پس از شناخت خداوند است که راه هموار شده، موانع برطرف می‌گردد. یاران مهدی علیهم‌السلام از کسانی هستند که خداوند را آن‌گونه که شایسته است، شناخته‌اند. علی علیه‌السلام، این شناخت والای خداوند را در ایشان، این‌گونه توصیف کرده است: «مردانی مؤمن که خدا را چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آنان، یاران مهدی علیه‌السلام در آخرالزمانند»^۲. امام صادق علیه‌السلام، ششمین ستاره فروزان سپهر ولایت، قلب‌های آنان را بسان پولاد دانسته،

۱. ذاریات، آیه ۵۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ۲۲۹.

می‌فرماید: «آنان مردانی‌اند که دل‌هایشان گویا پاره‌های آهن است؛ هیچ تردیدی نسبت به ذات خداوند، قلب‌هایشان را نیالاید و (قلب‌هایشان) از سنگ سخت‌تر است».^۳
بنابراین، اولین قدم برای قرار گرفتن در صف یاران مهدی علیه السلام، شناخت پروردگار است. اگر این قدم برداشته شد، نوبت قدم بعدی است و آن، شناخت امام است.

۲. شناخت امام زمان علیه السلام

اگر چه شناخت امام، در هر زمان، بر پیروان لازم و ضروری است؛ ولی چیزی که شناخت رهبر آخرین را از اهمیتی دو چندان برخوردار می‌سازد، شرایط ویژه آن است. ولادت پنهان، زیست پنهان و امتحانات سخت و دشوار، بر حساسیت و سختی این معرفت افزوده است؛ به ویژه که پس از شناخت خداوند، اصل شناخت امام، بسیار دشوار و طاقت‌فرسا است

۳. همان، ج ۲، ص ۳۰۷.

و مرغ اندیشه عموم مردم را توان پرواز تا آن قله رفیع نیست. کسی که می‌خواهد از یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد، ناگزیر می‌بایست قدم دوم را نیز ثابت و استوار بردارد و شناخت آن حضرت را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد؛ به گونه‌ای که حاصل این معرفت و شناخت، آن باشد که آن حضرت را همواره ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود بداند. یاران مهدی علیه السلام، امام خویش را به بهترین وجه می‌شناسند و این شناخت آگاهانه، در تمامی وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین، یار مهدی علیه السلام شدن، بدون شناخت آن حضرت، امکان‌پذیر نخواهد بود.

در روایات فراوانی چنین آمده است: «هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلیت باشد»^۴ و هر کس از دنیا رود، در حالی که آشنا به امام خویش باشد، همانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام در خدمت آن حضرت باشد.^۵

۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۵. غیبت نعمانی، ص ۳۴۵.

اگر چه حضرت در پس پرده غیبت و پنهان‌زیستی است، ولی هرگز از چشم معرفت و شناخت انسان‌ها، پنهان و غایب نیست و آن چه از ما خواسته شده، دیدن آن حضرت با بصیرت و آگاهی است؛ نه با چشم سر؛ آن گونه که عده‌ای تمام همتشان ملاقات با آن حضرت است؛ غافل از این که اگر معرفت به آن حضرت نباشد، دیدن ایشان فایده کاملی نخواهد داشت و کم نبودند کسانی که همواره جمال پیامبر ﷺ و ائمه ائمه را زیارت می‌کردند، ولی بهره معرفتی چندانی از آن معصومان علیهم‌السلام نبردند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هر آن کس که امامش را شناخت و قبل از قیام او چهره در خاک کشید، به سان کسی است که در سپاه آن حضرت، خدمت‌گزاری خواهد کرد؛ نه، بلکه به سان کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.»

بنابراین، اگر چه شوق دیدار آن حضرت و سعادت دیدنش، از اهمیت بسیاری برخوردار است، ولی از آن مهم‌تر، شناخت و معرفت امام است که حاصل آن، ارتباط روحی و سنخیت با آن امام همام است.

امام صادق علیه السلام با تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجت‌های الهی فرا خوانده، این گونه توصیه فرموده است: «خدایا! خویشان را بر من آشنا ساز که اگر تو خود را به من شناسانی، من فرستاده تو را نتوانم شناخت. بار خدایا! رسول خویش را به من شناسان که اگر تو رسول خود را به من شناسانی، من هرگز از حجت تو آگاه نخواهم شد. پروردگارا! مرا از حجت خویش آگاه ساز که اگر تو حجت خود را به من شناسانی، در دینم دچار گمراهی خواهم گشت.»
این دعا، از حضرت مهدی علیه السلام نیز نقل شده که این، نشان از اهمیت آن دارد.^۶

۳- اطاعت محض از خداوند و اولیای او

پس از شناخت خداوند و امام زمان علیه السلام، نوبت عملیاتی ساختن اعتقاد و تبلور حقیقی

۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲.

آن، در اطاعت محض از آن انوار پاک است. همسو کردن رفتارها، نیت‌ها و جهت‌گیری‌ها، طبق خواست رهبر، از مهم‌ترین ویژگی‌های رهروان است.

اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن، معرفت کسب نمود، در مرحله اطاعت نیز دچار تردید نخواهد شد؛ حال آن‌که اگر کسی در آن مرحله، دچار تردید و نقصان شد، در مرحله اطاعت، هرگز پیرو خوبی نخواهد بود.

اطاعت از امام، از جنس اطاعت از خداوند متعال است؛ زیرا وقتی کلام الهی در دشت جان مؤمنان طنین انداخت، خداوند اطاعت پیامبر و امامان علیهم‌السلام را در طول اطاعت از خود ذکر کرده است؛ «اطاعت کنید خداوند را و اطاعت کنید پیامبر را و همچنین اولی الامر از خودتان را»^۷.

۷. نساء، آیه ۵۹.

اگر چه اکنون حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، اما اراده و فرمانش را می‌بایست گردن نهاد؛ زیرا اگر کسی اکنون از دستورات آن حضرت اطاعت کرد، در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» باریابد و حال آن که پیش از قیام نیز پیرو او باشد؛ با دوست او، دوست و با دشمن او، دشمن و مخالف باشد و با رهبران و پیشوایان هدایت‌گر پیش از او نیز دوست باشد. آنان، همنشین و دوستان من و گرامی‌ترین امت من در نزد من هستند».

۴- احترام خالصانه

از آن جایی که امام را حقی بزرگ بر گردن پیروان است، خداوند احترام او را بر پیروان لازم کرده است. از این رو، هر آن چه مایه بزرگ‌داشت او می‌شود، توسط یاران آن حضرت انجام می‌گیرد. آنان، این روحیه را در زمان غیبت، در خود ایجاد کرده‌اند تا در زمان ظهور

نیز با این ملکه نفسانی، همواره و در همه امور، احترام آن حضرت را نگه دارند. ائمه علیهم السلام به عنوان معلمان انسان‌ها، هرگز از این مهم غفلت نکرده‌اند و عظمت آخرین معصوم علیه السلام، آنها را به تکریم و احترام واداشته است. وقتی دعبل خزاعی، قصیده‌ای نزد امام رضا علیه السلام خواند که در فرازهایی از آن به حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده بود، حضرت به احترام ذکر نام مقدس وی، متواضعانه برخاسته، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد دعا کرد.^۸ به راستی کسی که از احترام اندکی، مثل برپا خاستن، هنگام شنیدن نام آن حضرت، کوتاهی می‌کند، چگونه می‌تواند در عصر ظهور، به تکریم آن حضرت پرداخته، از جان خود بگذرد؟ از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا به هنگام شنیدن نام «قائم»، لازم است برخیزیم؟ آن

۸. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۴۰

حضرت فرمود: «برای آن حضرت، غیبتی طولانی است و این لقب، یادآور دولت برحق آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. از این رو، آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کس که حضرتش را به این لقب یاد کند، نگاه محبت‌آمیزی می‌کند و از تجلیل و تعظیم نسبت آن حضرت است که هر بنده خاضعی، در مقابل صاحب عصر خود، هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد، از جای برخیزد؛ پس باید برخیزد و تعجیل در فرج امر مولایش را از خداوند طلب کند»^۹.

علاوه بر حکمت یاد شده، حکمت اجتماعی آن نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد و آن، آمادگی افراد در هر آن، برای قیام، مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت اجتماعی و حفظ حقوق انسان‌هاست.

شیعه منتظر - بلکه هر مسلمان - در عصر غیبت، باید همواره دارای چنین هدفی باشد

۹. همان.

و در راه تحقق آن، به وسایل گوناگون بکوشد و این آمادگی را داشته باشد که هرگاه، نام پیشوای قیام (قائم) ذکر می‌شود، به پا خیزد و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد و این آمادگی را همیشه به خود و دیگران تلقین و در خود و دیگران تحکیم کند.^{۱۰}

۵- انتظار راستین

باور داشتن انتظار راستین که اساس شخصیت یاران مهدی علیه السلام را شکل می‌دهد، پیشینه‌ای بس طولانی در تاریخ شیعه دارد. اگر چه این انتظار حیات‌بخش، در فرهنگ‌ها و ادیان گذشته نیز مورد توجه و اهتمام بوده است، ولی آن گاه به خود جهت گرفته و مصداق یافته که آخرین فرستاده الهی، بر بام نبوت، بانگ بر آورده و انسان‌ها را به روزگاری سراسر نور، نوید داده است؛ دنیا به پایان نرسد؛ مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که

۱۰. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۶۴.

از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می‌شود.
اکنون قرن‌ها از آن بانگ ملکوتی می‌گذرد؛ ولی همچنان طنین دل‌نشین و امیدبخش آن ندای ملکوتی، در گوش انسان‌هاست و این بشارت بزرگ، زندگی مردمان را در عصر پایدار و بلند انتظار، با تاریخی روشن از نمودها و جلوه‌های فکری و عملی، روز به روز، به آن دروازه روشنایی، نزدیک‌تر می‌سازد.

آن چه در این ره‌یافت، از ارزشی بس بلند برخوردار است، زمینه‌سازی برای ایجاد آن حکومت موعود است؛ اگر چه زمان برپایی آن، از اسرار الهی و تنها در اراده خداوند است. انتظار به معنی چشم به راه بودن و درنگ کردن، به امید پیشامدی خاص و به بیان دیگر، کیفیت روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی برای چیزی است که انتظار دارند و ضد آن، یأس و ناامیدی است.

این اندیشه، در فرهنگ مهدویت، بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی، نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی

نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها، فوق‌العاده تاریک و ظلمانی است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی - انسانی، در روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت - بلکه برترین عبادات - شمرده شده است.

پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، بر انتظار آن روز موعود و لحظه‌شماری در فرارسیدن حکومت حق که تنها به دست آن حضرت تشکیل می‌گردد، تأکید فراوانی کرده، آن را از اصول اساسی دین‌داری شمرده‌اند و پادشاه‌های بزرگی برای منتظران آن بیان کرده‌اند. از همین رو، عالمان بزرگ، انتظار را یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت و عنصری اساسی در زمینه‌سازی و حفظ روحیه مناسب، برای درک زمان ظهور، ذکر کرده‌اند و همواره مؤمنان را به رعایت این وظیفه خطیر با گفتار و کردار، ترغیب می‌کردند.

درباره انتظار فرج و ارج و اهمیت آن، احادیث فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، روایت شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «برترین کارهای امت من، انتظار فرج، از

خدای عزوجل است».^{۱۱}

بنابراین، انتظار از نوع عمل و کار است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس که بخواهد از یاران قائم علیه السلام شود، باید که منتظر باشد و با خوی‌های پسندیده عمل نماید و با چنین حالی، منتظر باشد و هرگاه بمیرد و پس از مردنش، قائم علیه السلام به پا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که در دوران حکومت، آن حضرت را درک کرده باشد».^{۱۲}

در احادیث فراوانی آمده است که انتظار فرج و چشم داشتن به ظهور، باید با مواظبت بر وظایف شرعی و فضایل اخلاقی همراه باشد و آمادگی برای درک ظهور حضرت مهدی علیه السلام، در مفهوم انتظار نهفته است و این، کاملاً با برداشت ناصحیح از انتظار که ثمره‌اش رخوت و سستی جامعه است، متضاد خواهد بود.

۱۱. کمال الدین، ص ۶۴۶.

۱۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۶- آمادگی برای خدمت به مهدی عجله الله تعالی فرجه

آنان که وجودشان سرشار از عشق خداوند و اولیای اوست، اگر عصر ظهور را درک کنند، بزرگ‌ترین افتخارشان خدمت به مهدی آل محمد علیهم السلام خواهد بود.

شاید باور کردن این سخن مشکل باشد که رئیس مذهب شیعه که هزاران دانشمند، زانوی ادب و دانشجویی در محضر کلامش بر زمین می‌نهادند و شاگردان ادبستانش، عقابان تیزپرواز آسمان اندیشه و علم بودند، آن گاه که نام آخرین ذخیره الهی نزدش برده می‌شود، با حسرتی برآمده از عمق جان و آرزویی بی‌مانند، آهی از نهاد برآورده، می‌فرمود: «اگر او را درک کنم، در تمام روزهای زندگانی‌ام، خدمت‌گزار او خواهم بود».

هر کس که بخواهد در آن روزگار، خدمت به آن حضرت نصیبش گردد، می‌بایست در دوران غیبت، خدمت به آن حضرت و یاران او را سرلوحه کارهای خود قرار دهد. بی‌تردید، خادمان دوران ظهور، همان خادمان دوران غیبتند و خشنود کردن آن حضرت، با هر رفتاری

که انجام شود، بزرگ‌ترین خدمت به اوست؛ همان‌گونه که نگران ساختن و اذیت و آزار وی، با رفتاری ناشایست، خیانتی بس عظیم است. پس یک منتظر راستین و علاقه‌مند به حضرت مهدی علیه السلام، می‌بایست تمامی لحظه‌های زندگی‌اش را در خدمت به او سپری نماید.

۷- خودسازی و دیگرسازی

شکی نیست که دین‌داری در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام، از هر زمان دیگری، مشکل‌تر و طاقت‌فرساتر است. امام صادق علیه السلام از آن سوی قرن‌ها، سختی این دوران را این‌گونه تصویر نموده است:

«صاحب این امر را غیبتی است که در آن، هر کس از دین خود دست برد ندارد، همانند کسی است که با کشیدن دست خود به ساقه فتاد (که بوته‌ای تیغ‌دار است)، خارهای آن را بسترده». سپس آن حضرت، مدتی سر به زیر افکنده، فرمود: «صاحب این امر، دارای غیبتی

است؛ پس بنده خدا باید پرهیزگاری و تقوا پیشه کند و به دین خود پایدار باشد...»^{۱۳}

اگر چه آزمایش‌های دینی برای همه ایمان‌آوردگان، در همه زمان‌ها، قانونی الهی است، اما در عصر غیبت، تمامی عوامل دست به دست هم داده، این آزمایش را به کمال خود رسانده است. در این دوران است که نگه داشتن دین، بسیار دشوار است و بیشتر مردم، به انگیزه‌های گوناگون، ایمان دینی خویش را در زندگی از دست می‌دهند و دین را کنار می‌گذارند. گسترش زمینه‌های ناباوری، افزایش انگیزه‌های انحراف و گریز از دین و ستیزه‌جویی‌های دشمنان با دین‌داری، از مهم‌ترین عوامل این آزمایش است.

آنان که در این گرداب‌های ترسناک، دین خود را حفظ می‌کنند، از شأن و رتبه‌ای بس رفیع برخوردار خواهند بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند

۱۳. کافی، ج ۱، ص ۳۳۵.

که در واپسین روزگار می‌زیند؛ پیامبرشان را مشاهده نکرده، امامشان پنهان است؛ پس به سبب خواندن خطی بر روی کاغذ، ایمان می‌آورند».^{۱۴} انسان این دوران، بر خلاف انسان معاصر پیامبر ﷺ، از تمامی دریافت‌های حسی به دور است و تنها بر اساس درک عقلی و تاریخی، پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام را می‌شناسد و به رسالت و امامت آنان ایمان می‌آورد.

امام سجاد علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «به درستی که مردمان زمان غیبت مهدی علیه‌السلام که امامتش را باور دارند و منتظر ظهور اویند، از مردمان همه زمان‌ها برترند؛ زیرا چنان عقل‌ها، فهم‌ها و شناخت آنان قوت بخشیده شده که غیبت نزد آنان، همچون دیدن باشد...

۱۴. غیبت نعمانی، ج ۱، ص ۲۸۸.

آنان به حق، اخلاص ورزاندند».^{۱۵}

موفقیت در این آزمایش، نیازمند بینشی است که انسان دین‌دار، در پرتو آن بتواند در برابر تحریف‌ها، شبهه‌ها و تردیدها، دین خود را حفظ کند و با هیچ یک از عوامل انحراف، خلوص دینی و دین‌داری را در فکر و عمل، از دست ندهد که اگر چنین شد، مصداق این سخن رسول گرامی اسلام خواهد بود که می‌فرماید: «به زودی پس از شما کسانی می‌آیند که یک نفر آنان، پاداش پنجاه نفر از شما را دارد». گفتند ای رسول خدا! ما در جنگ بدر، احد و حنین، در رکاب شما جهاد کردیم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است. پیامبر ﷺ فرمود: «اگر آن چه از آزارها و رنج‌ها که بر آنان می‌رسد، بر شما آید، بسان آنان شکیبایی

۱۵. همان؛ ج ۱، ص ۳۱۹.

نخواهید داشت».^{۱۶}

پایداری بر دین در روزگار غیبت، به تحمل سختی‌ها، ترس‌ها، محرومیت‌ها و تنگناهای ادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی نیز، بر آنها افزوده می‌گردد و اگر دین‌داری با صبر و شکیبایی درست و آگاهانه توأم نباشد، به تدریج، ناامیدی‌ها روی می‌آورد و باور را از روح و فکر می‌زداید.

برگرفته از سایت پرسمان

۱۶. کتاب الغیبه، ص ۴۵۶.